

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

Tel:0044-7971-965-857

www.haftegi.com

۸۲

۹ آذر ۱۳۸۰

۳۰ نوامبر ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

ما به پرچمدار کمونیسم در ایران امروز تبدیل شده ایم



مصاحبه با منصور حکمت

بمناسبت دهمین سالگرد تشکیل

حزب کمونیست کارگری ایران

همفکران خود را که اکثریت آن سازمان بودند به حزب نوینی بردیم. آن روز ها برخی به ما خرده می گرفتند که شما که در حزب کمونیست ایران اکثریت دارید چرا سیاست خود را در همان حزب دنبال نمیکنید. تحلیل ما این بود که حزب کمونیست ایران ائتلافی از جنبشها و گرایشات اجتماعی گوناگونی است که کمونیسم کارگری فقط یکی از آنهاست. گرایشات اجتماعی دیگر را نمیتوان با تصمیمات تشکیلاتی و "مدیریت صحیح" به پیاده کردن سیاستهایی وادار کرد که خلاف منافع خود مبینند. وقتی قطب سرمایه داری در شوروی

پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟
منصور حکمت: صحت این تصمیم اکنون دیگر باید برای همه عیان باشد. اعلام جدایی من از حزب کمونیست ایران برای تشکیل حزب کمونیست کارگری و بعد پیوستن اکثریت رهبران و کادرها و فعالین آن به حزب جدید، همانطور که همانموقع در مقطع جدایی گفتم، از نظر من یک تصفیه مثبت بود. ایجاد یک حزب جدید یک راه سیاسی اصولی و واقعبینانه برای تصفیه حزب قدیم بود. بجای تصفیه تشکیلاتی، ما

فاتح بهرامی: ۳۰ نوامبر امسال دهمین سالگرد تشکیل حزب است. دهسال پیش، در شرایطی که از فروپاشی بلوک شرق مدت زیادی نگذشته بود و هجوم نظری و سیاسی سرمایه داری جهانی به اندیشه سوسیالیستی و آرمانهای آزادیخواهانه بشر سیمای سیاسی جهان را ترسیم میکرد، در جریان اختلافات درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا میشوید و حزب دیگری درست میکنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز

آغاز به فروریختن کرد، مارکسیسم خواه نا خواه در سطح جهانی زیر فشار قرار گرفت و نفوذ و اعتبار خود در میان ناراضیان و جنبشهای سیاسی مختلف را از دست داد. از مد افتاد." گرایشات غیر مارکسیستی در حزب کمونیست ایران هم همراه این پدیده جهانی بی افق و پاسیو شدند و به یک وزنه به پای حزب بدل شدند. وقتی در جنگ آمریکا

صفحه ۲

گرامی باد دهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران!

صفحه ۶

جایگاه سیاسی
پس گردنی
اخیر به مجلس!

صفحه ۴

بعد از طالبان
چرا دولت
قبیله ای-اسلامی؟

صفحه ۳

پیروزی
زنان در ترکیه
عقب نشینی
اسلام سیاسی

صفحه ۲



عکسی از تظاهرات احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق در بن که در رسانه های بین المللی منتشر شده است.



مصاحبه با

نسان نودینیان دبیر کمیته حزب در آلمان درباره آکسیون بن

مذهبیون باشد، چگونه است. در افغانستان با فروریختن "طالبان" و آمدن ائتلاف شمال وضع زنان تغییری نکرده است. آخوند "ربانی" در نماز جمعه دو هفته قبل در مورد برقع و حجاب اسلامی صحبت کرده بود، تاکنون از دو تظاهرات زنان در کابل در دو هفته گذشته جلوگیری کرده اند.

صفحه ۲

رسانه های خبری صحنه های بسیار شنیع، غیر انسانی و اعمال جنایتکارانه گانگسترهای اسلامی علیه زنان در افغانستان را شاهد بوده اند. مردم اروپا صحنه های اعدام زنان در میدانهای ورزشی در کابل را که با احکام اسلام سیاسی اجرا میشد دیدند، ما که از ایران آمده ایم، میدانیم که سرنوشت زنان در جامعه ای که قدرت دست اسلام سیاسی و

هفتگی: میتینگ اعتراضی احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق - واحد آلمان در مقابل محل کنفرانس افغانستان در بن روز سه شنبه برگزار شد و توجه زیادی بخود جلب کرد. لطفا در مورد هدف این میتینگ و نحوه برگزاری آن توضیحاتی بدهید.
نسان نودینیان: مردم دنیا این روزها از کانالهای تلویزیونی و

کنفرانس مهم و
تاریخی فدراسیون

صفحه ۳

دومین سمینار مرکزی
کادرهای حزب

صفحه ۴

یک دنیای بهتر

برنامه

حزب کمونیست کارگری

را بخوانید!

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیروزی زنان در ترکیه عقب نشینی اسلام سیاسی



آذر ماجدی

هفته پیش مجلس ترکیه یک سلسله اصلاحات مهم در قوانین خانواده بنفع زنان بتصویب رساند. این یک اقدام مهم هم از نظر موقعیت زنان و هم از نقطه نظر عقب راندن اسلام سیاسی است. پس از سقوط طالبان و اعلام تحولاتی مثبت به نفع زنان در افغانستان، و ظاهر و علنی شدن جنبش زنان برای حقوق برابر در افغانستان، تصویب قوانین اصلاحی بنفع زنان در ترکیه تحولاتی مهم و اساسی است که بر موقعیت جنبش اسلام سیاسی در منطقه و موقعیت زنان تاثیراتی تعیین کننده خواهد داشت.

ماسبق نشدن این قوانین مورد اعتراض شدید سازمان های مدافع حقوق زن قرار گرفته است. تصویب این قوانین در ترکیه را پس از چندین سال بحث در مجلس، بویژه با در نظر گرفتن اینکه نفوذ اسلامیت ها اخیرا در ترکیه افزایش یافته بود، باید در پرتو تحولات اوضاع جهانی و موقعیت تضعیف شده اسلام سیاسی پس از ۱۱ سپتامبر دید. در نتیجه پیامدهای ۱۱ سپتامبر اسلام سیاسی در موقعیتی ضعیف تر و شکننده تر قرار گرفته است. طالبان در افغانستان سرنگون شد، جنبش مردم ایران علیه جمهوری اسلامی شدت و گسترش بیشتری یافته است، و جمهوری اسلامی در یک بن بست عمیق دست و پا میزند، افکار عمومی دنیا نسبت به جنایات و کراهت اسلام سیاسی تحت حکومت های اسلامی حساس تر و هشیار تر شده است. اولین دستاوردهای ملموس این موقعیت را در تغییر وضعیت افغانستان و تحول موقعیت زنان در افغانستان و اکنون یک اصلاح مهم در وضعیت زنان ترکیه شاهدیم. نبرد مردم منطقه با اسلام سیاسی ادامه دارد. شکست آن حتمی است.

و کوتاه کردن دست دولتهای اسلامی از سرنوشت آنان است، پیبوندند. در نتیجه این سخنرانی ها از دیروز از طرف دوستان افغانستانی با من تماس گرفته شده، از ما خواستند برای برگزاری آکسیون به آنها کمک کنیم، از ما خواستند که همراه آنها در یک آکسیون دیگر که روز پنجشنبه ساعت ۱۱ برگزار میشود، شرکت کنیم. فکر میکنم آکسیون ما استارت خوبی بود در جهت جلب حمایت میلیونها نفر از مردم اروپا درمورد دفاع از حقوق زنان در افغانستان و لازم است که علیه اسلام سیاسی و در دفاع از سکولاریسم کارمان را ادامه دهیم. ■

طبق مصوبات جدید از اول ژانویه ۲۰۰۲ نقش مسلط مرد در خانواده هایی که از آن تاریخ شکل میگیرند، بشدت تضعیف میشود. حق تصمیم گیری مطلق مرد در امور خانواده لغو میشود و زن مشترکا درباره امور خانواده تصمیم میگیرند. تصمیم به اشتغال و یا محل زیست به عهده خود زن خواهد بود و مرد حق محرومیت زن از اشتغال و یا اجبار او به همزیستی با خود را ندارد. تقاضای حق طلاق برای زنان آسانتر شده و هنگام طلاق ثروت و دارایی خانواده بین زوجین تقسیم خواهد شد. حق حضانت به زنان تعلق خواهد گرفت و کودکان متولد شده در خارج ازدواج از حقوق یکسانی با کودکانی که در درون ازدواج بدینا آمده اند، برخوردار خواهند شد. عطف به نشان داده شده است و در تفسیر خبری از اسم حزب کمونیست کارگری ایران و عراق نام برده اند. کلا تجمع اعتراضی احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق در جلو کنفرانس بن، انعکاسی جهانی بخودش گرفت. تا امروز چهارشنبه ۲۸ نوامبر هنوز صحنههایی از این آکسیون از کانالهای تلویزیونی نشان داده میشود.

همچنین من سه بار خطاب به جمعیت چند صد نفری از شهروندان افغانستانی سخنرانی کردم و از آنها خواستم که به خواستها و اهداف آکسیون ما که در مورد مساله زنان و دفاع از سکولاریسم

کارگروازی و خوش و بش محفلی با کارگران معنی شده است. اما در کمونیسم ما حزب کمونیستی حزبی است که طبقه کارگر برای نجات جامعه میسازد. حزبی که میخواید در جدال بر سر قدرت سیاسی که کلید دست بردن به بنیاد اقتصادی جامعه است، طبقه کارگر و راه حل طبقه کارگر برای بشریت را نمایندگی کند. جدال اساسی بر سر قدرت و سرنوشت جامعه است و حزبی که در صحنه جدال قدرت و صفتندی اجتماعی در مقابل احزاب جنبشهای طبقات دارا حضور نداشته باشد، تا چه رسد به اینکه اصولا معتقد نباشد باید حضور داشته باشد، نه کارگری است و نه کمونیستی است. درک این حقیقت ابتدایی مارکسیستی و مقابل قرار دادن آن با تلقی های سنتی چپی که مرغ عزا و عروسی در تاریخ معاصر بوده و به حاشیه ای بودن عادت کرده و اکنون دیگر افتخار هم میکند، یک تحول مهم در کار حزب ما ایجاد کرده است. ما ضعف زیاد داریم و فرصت زیاد از دست میدهم. اما اکنون دیگر یک معضل بنیادی را حل کرده ایم و آن فهم ضرورت مدعی قدرت بودن حزب کمونیستی است. درک ضرورت یک حضور اجتماعی. با این نگاه به وظایف و جایگاهمان، لاقول روی خط درستی برای پاسخگویی به نیازهای مبارزه کمونیستی قرار گرفته ایم. ادامه دارد

زنان و افشای اسلام سیاسی در ایران و افغانستان و عربستان سعودی، دو قطب و نیروی سیاسی در جامعه را نمایندگی میکرد. به همین دلیل یکی از خبرنگاران در داخل سالن از نماینده سازمان ملل سوال کرد که در بیرون سالن تظاهر کنندگان در مورد مساله زنان و حقوق برابر زنان و مردان شعار میدهند، توضیح شما در این رابطه چی میتواند باشد. از روز سه شنبه شعارهای تظاهرات در رسانهها به مناسبتهای مختلف منعکس شده. تا کنون از چندین کانال تلویزیونی رپرتاژ آکسیون ما نشان داده شده است، و در شرح آکسیونها به مساله دفاع از حقوق زنان اشاره میشود و این از همه برجسته تر است. از میان انعکاسی که از رسانهها بوده، چند کانال تلویزیونی نام اسامی تعدادی از کادرهای حزب از جمله مینا احدی را اعلام کرده اند و مشخصا از دو کانال تلویزیونی نوروز صحنههایی از تظاهرات ما

وسیعاً منتشر شده و من خواندن آنها را به همه علاقمندان تاریخ کمونیسم در ایران توصیه میکنم. اکنون یک مسیر دهساله طی شده است. اکنون هرکس میتواند ببیند که راههایی که ما و گرایشات دیگر در آن حزب قدیم رفته ایم چقدر با هم متفاوت است. حزب کمونیست کارگری اکنون بینش و روش و موازین و اصول سیاسی و عملی ای دارد که بر یک روایت متفاوت از کمونیسم بنا شده است. روایتی که در انقلاب ۵۷ مطرح کردیم و تمام تاریخ زندگی سیاسی بسیاری از ما در این دو دهه، تلاش برای تبدیل کردن این مارکسیسم به یک نیروی قوی و معتبر سیاسی بوده است. در این دهسال سیمای فکری و سیاسی و عملی حزب کمونیست کارگری بسیار تدقیق شده است. موافق و مخالف ما میتوانند به روشنی جایگاه سیاسی ما را در صحنه سیاسی ایران تعریف کنند. ما به پرچمدار کمونیسم و آلترناتیو کمونیستی در ایران امروز تبدیل شده ایم. مردم ایران کمونیسم را با حزب کمونیست کارگری نداعی میکنند.

یک گام مهم در مسیری که ما طی کرده ایم، بحث های مربوط به "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" بوده است. چپ های کارگر- دوست ایران سنتا حزب کمونیستی را حزبی تعریف کرده اند که برای کارگران و برای دفاع از منافع کارگران ساخته میشود. معمولاً کارگر گرای در این چپ سنتی با

اعتراضی ما، در داخل سالن از همان دقایق اول محسوس بود. کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران و عراق به زبانهای آلمانی، عربی و فارسی در مورد مساله زنان سخنرانی میکردند، پلاکاردهای بزرگ و شعارهای ما در دفاع از زنان در افغانستان و سکولاریسم نظر رسانه های و خبرگزاریها را بخود جلب کرده بود. از طرف دیگر نفس برگزاری کنفرانس افغانستان در اروپا و در شرایطی که به مساله اسلام سیاسی ربط داشت، و وجود شعارهای رادیکال و افشاگری در مورد اسلام سیاسی و وضعیت زنان در افغانستان، بازتاب آکسیون حزب ما را چند برابر کرده بود. کنفرانس افغانستان با خواندن قرآن توسط کودکی خردسال شروع بکار کرد. فضای اسلامی و تشریفات اسلامی ماه رمضان و ریش و عمامه و دروس در داخل کنفرانس، و در بیرون کنفرانس فضای شعارهای چپ و رادیکال با حضور مردم آزادیخواه و مدرن در دفاع از حقوق

از صفحه ۱

مصاحبه با منصور حکمت

با عراق، ناسیونالیستهای کرد در سلیمانیه و اربیل "دولت" تشکیل دادند، ناسیونالیسم کرد در درون حزب کمونیست ایران هم به فکر انقلاب علیه کمونیسم" در حزب کمونیست ایران افتاد. برای ما ماندن در آن حزب و نگاهداشتن موازنه و مدیریت کردن میان این گرایشات که دیگر به نقطه عطفهای تاریخی ای در حیات خود رسیده بودند، امری عبث بود. ما یک حزب کمونیست کارگری میخواستیم که درست در آن شرایط حاد ضد کمونیستی پرچم کمونیسم را بر افراشته تر کند و به مصاف های جدیدی که در مقابل کمونیسم قرار میگرفت با اشتها و با حرارت پا بگارد. اینکار در آن حزب ائتلافی ممکن نبود. جدایی باید صورت میگرفت. روش ما یک تصفیه مثبت بود. نیروی خود را بیرون کشیدیم و بدون دغدغه سر و کله زدن با طرفداران بانک جهانی و فوکویاما و طالبانی یک حزب سیاسی جدید با یک برنامه کمونیستی تعریف شده ساختیم. یادآوری میکنم که اسناد و مقالات متعدد مربوط به جدایی ما در دهسال قبل و تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ۱

مصاحبه با نسان نودینیان

به این دلایل اهداف میتینگ ما، مساله دفاع از حقوق زنان در افغانستان و دفاع از سکولاریسم در افغانستان بود. بر اساس این خواستها، سخنرانان و کادرهای احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق از جوانب مختلف به بیان اهداف میتینگ میپرداختیم و بیانیه های حزب کمونیست کارگری به زبانهای آلمانی، انگلیسی و فارسی توزیع شدند. دفاع از حق برابر زنان و مردان در افغانستان، لغو آپارتاید جنسی و کوتاه کردن دست مذهب از سرنوشت مردم افغانستان بخصوص زنان توجه زیادی را بخود جلب کرده بود.

هفتگی: تاثیر و بازتاب این آکسیون چگونه بود؟
نسان نودینیان: بازتاب آکسیون

کنفرانس مهم و تاریخی فدراسیون

مریم نمازی



سیاسی و تروریسم اسلامی، فروپاشی طالبان و اعلان حکم سرنگونی جمهوری اسلامی توسط مردم در ایران، همه به گسترش مبارزات ما در دفاع از حقوق پناهندگی و مدنی و علیه جمهوری اسلامی یاری خواهد رساند. اکنون بیش از هر دوره‌ای مبارزات فدراسیون برای حقوق پناهندگی و مدنی و علیه جمهوری اسلامی ایران و اسلام سیاسی، به مبارزات و زندگی مردم در سراسر جهان ربط پیدا کرده است. کنفرانس تاکید کرد که فدراسیون می‌تواند و باید از موقعیت خود و موقعیت ویژه بین‌المللی به نفع حقوق پناهندگی و مدنی استفاده کند. فدراسیون می‌تواند و باید بیش از گذشته مردم جهان را به حمایت از مبارزات مردم در ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی، فشار بر دول غربی برای قطع حمایت از جمهوری اسلامی و پافشاری در محاکمه سران این رژیم بعنوان جنایتکاران علیه بشریت جلب کند. در این شرایط ویژه فدراسیون می‌رود تا کارهای هرکولی کند، تا بجای ده‌ها هزار نفر، میلیون‌ها نفر را مخاطب قرار دهد، تا مبارزه علیه جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را تشدید کند، تا مبارزه علیه راسیسم، فاشیسم، ناسیونالیسم، مذهب و مردسالاری را هر چه بیشتر گسترش دهد و تراجعی نسبی فرهنگ را بی‌آرتر کند. فدراسیون می‌رود تا جهانشمولی حقوق انسان را تثبیت کند و مبارزات مردم در غرب برای حقوق مدنی و علیه تروریسم آمریکا و ناتو را با مبارزات مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی متصل کند و بیش از گذشته حمایت از مبارزات مردم در ایران و پناهجویان فراری را که اکثریتشان فراریان از اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی هستند، را در دستور کار هر انسان آزادیخواه و شریف قرار دهد. در دوره آتی فدراسیون می‌رود تا به یکی از جریان‌های اصلی مدافع حقوق پناهندگی و مدنی در سطح جهان تبدیل شود. ■

بعد از طالبان چرا دولت قبیله ای-اسلامی؟

محسن ابراهیمی

آخرین سنگر ارتجاع طالبان در قندهار در حال فروپیزی است. این سرعت سقوط طالبان برای سران دول غرب حیرت‌انگیز است. چه شد که طالبان، با ده‌ها هزار مجاهد اسلامی جان برکف، با این شتاب شگرف در حال محو شدن است؟ این سقوط سریع فقط به این خاطر نبود که خدا در مقابل تکنولوژی پیشرفته نظامی کاره ای نیست. فقط به این خاطر نبود که بمب افکنهای ب ۵۲ بلاد کفر، قادرند در مقابل چشمان مستاصل خدا، پیروان خالصش را تار و مار کنند بی آنکه خدا بتواند کاری برایشان بکند. طالبان بسرعت سقوط کرد چون از یکطرف متحین دولتی اش را از دست داد و از طرف دیگر روی آتشفشانی از نفرت مردم قداره بندی میکرد. حقیقت اینست که قبل از ۱۱ سپتامبر، در جلد طالبان، به عنوان یک سازمان آخوندی اسلامی تبه کار، یک شبکه اتحاد علنی و مخفی متشکل از دول پاکستان و عربستان، در سایه سکوت و مماشات دولت آمریکا و دول غرب حکومت میکرد. این شبکه بعد از یازده سپتامبر نه تنها شکاف برداشت بلکه نیروهای متعلق به آن در مقابل هم قرار گرفتند. پاکستان و آمریکا مجبور شدند در مقابل مخلوق شنیع و نفرت‌انگیز خود قرار گیرند. مهمتر از همه اینها، طالبان دود شد و هوا رفت چون در میان مردم افغانستان، در میان زنان سرکوب شده افغانستان بشدت منفور بود. صحنه‌هایی که مردم افغانستان در جریان سقوط طالبان به نمایش گذاشتند، هیجان‌انگیز بود: از یکطرف مردم با نفرت تمام هر چیزی که بویی از طالبان میداد کنار گذاشتند. تا میتوانستند خود را از شر برقع و ریشهای اسلامی و عمامه‌ها رها کردند و از طرف دیگر، با اشتیاق تمام یادبادهای و بادکنکها و کاست‌های موسیقی و سینماها و آنتهای بشقابی را به میدان آوردند. آیا سقوط طالبان، مبشر رهایی مردم افغانستان از شر اسلام سیاسی است؟ سقوط طالبان بدون شک یک اتفاق شادی بخش برای بشریت متملن، مردم افغانستان و بخصوص زنان افغانستان است. اما در

کنفرانس بن که قرار است تصویر سیاسی آینده افغانستان تعیین شود، سایه‌های یک تصویر سیاسی تاریک برای آینده مردم افغانستان مشاهده میشود. در این کنفرانس به زحمت میتوان عباراتی حاکی از حقوق پایه ای مردم افغانستان شنید. نه تنها اغلب حاضرین در کنفرانس، سرکردگان قبایل و فرماندهان مجاهدین اسلامی هستند که هر کدام پرونده سنگینی از آدمکشی زیر بغل دارند و برای گرفتن سهم خویش از قدرت بعدی به اصطلاح مذاکره میکنند بلکه سران دول غرب و نمایندگان سازمان ملل هم با همان تصویر در کنفرانس حضور دارند. انگار جهان سیاست در اول قرن بیست و یکم، با هیچ سیستم سیاسی غیر از تئوری قبیله ای-اسلامی دولت آشنا نیست. همه از این حرف میزنند که کدام قبیله به طور عادلانه نمایندگی میشود و کدام قبیله به طور عادلانه نمایندگی نمیشود؛ کدام سرکرده جنگی در کنفرانس حاضر نیست؛ این یا آن رئیس قبیله چه سهمی از قدرت سیاسی بعدی را باید داشته باشد. کسی در فکر مردم محروم و ستم دیده افغانستان نیست. از یکطرف مانع حضور "آوا"، سازمان طرفدار حقوق و آزادی زنان در کنفرانس میشوند و از طرف دیگر نگران حقوق ژنرال مشرف و جمهوری اسلامی ایران هستند. میگویند گروه قبرس با ایران نزدیک است؛ گروه پیشاور منافع پاکستان را نمایندگی میکند؛ گروه رم منافع پشتونها را در نظر دارد و اتحاد شمال شیعیان هزاره و ازبکها و تاجیکها را نمایندگی میکند. برهان الدین ربانی رئیس حکومت اسلامی پیش از طالبان، ژنرال دوستم سرکرده جنگی آدمکش ازبک، اسماعیل خان طرفدار حکومت اسلامی و والی هرات، احمد گیلاتی رهبر جبهه اسلامی ملی ورد زبان سران دول غرب است. کسی از این حرف نمیزند که چه سیستم سیاسی باید برقرار شود که دخالت مردم افغانستان در آینده سیاسیشان را تامین کند؛ چه سیستم سیاسی باید حاکم شود که حقوق انسانی مردم افغانستان را تامین کند؛ چه مردم افغانستان را تا همین حدت از سر نوشت مردم از دست درازی شیوخ و آخوندها و روسای قبایل و مرتجعین اسلامی رها شود؛ چه اقدامی باید کرد که مجددا حکومت مذهبی از نوع



دیگر به سرکردگی مجاهدین اتحاد شمال راه نیافتد؛ چه کار باید کرد که زنان افغانستان آزاد زندگی کنند و از حقوق انسانی بهره مند شوند؛ کودکان افغانستان حرمت انسانی داشته باشند و در کل آحاد مردم افغانستان، فارغ از تبه کاران اسلامی و قبیله ای، کار و زندگی خود را سازمان دهند. کنفرانس بن، به خوبی نشان میدهد که جنگ آمریکا و طالبان، نزاعی میان تمدن بشری و تروریسم اسلامی ضد بشری نیست. چه بسا اگر جنایت ۱۱ سپتامبر اتفاق نمی افتاد آمریکا و دول غرب همچنان افغانستان را سالهای سال در زیر چنگالهای خونین اسلام سیاسی مخلوق خودشان رها میکردند. نه دول بوش و بن لادن راه میافتاد، نه لورا بوش یاد زنان افغانستان میافتاد و نه ژنرال مشرف پشت ملامر و بن لادن را خالی میکرد. آمریکا و دول غرب در کنفرانس بن همان منافی از دنبال میکنند که قبلا به خاطرش از مجاهدین اسلامی و طالبان حمایت کرده بودند. کنفرانس بن نشان میدهد که کمپین نظامی آمریکا علیه هرگونه اسلام سیاسی ارتجاعی نیست. علیه تروریسمی است که "منافع ملی آمریکا"، یعنی قدر قدرتی تنها ابرقدرت بعد از پایان جنگ سرد را به مصاف می‌طلبد. این کمپین قرار است ابرقدرتی آمریکا را تامین و تثبیت کند نه حقوق انسانی مردم افغانستان را. به این معنا، مهم نیروهایی با چه سابقه جنایاتی بر سر کار می‌آیند. مهم نیست که این نیروها چقدر در میان مردم منفور هستند. مهم اینست که این نیروها، مزاحم یک تازی ابر قدرت آمریکا نشوند. مردم افغانستان، مثل همه انسانها، خواهان زندگی آزاد و انسانی هستند. شرم بر دول غرب که دیروز مجاهدین اسلامی مرتجعی مثل برهان الدین ربانی و گلبدین حکمت یار و طالبان را بر سر این مردم حاکم کردند و امروز مجددا در حال بند و بست سیاسی با خوانین و روسای قبایل و سرکردگان جنگی اسلامی هستند. شرم بر کنفرانس بن. ■

جایگاه سیاسی پس گردنی اخیر به مجلس!

مصطفی صابر

اسلامی است. (بی جهت نیست که خاتمی درست روز بعد از مصوبه اخیر تشخیص مصلحت همراه با هیات دولتش افطاری را نزد رهبر گشود. گویی داشت فاصله خود را با امثال عباس عبدی نشان میداد که گفته بود راهی نموده جز آنکه تمام اصلاح طلبان، از جمله خاتمی، "بطور فعال" از حاکمیت بیرون بیایند. و باز جالب توجه است که، بنا به قول رسالت، خاتمی و کروی به نمایندگان مجلس اسلامی توصیه کرده اند که در واکنش به تصمیم روز سه شنبه مجمع تشخیص مصلحت از موضع گیری علیه آن پرهیز نموده و از طرح شعارهای تنش زا خودداری کنند.)

دعوی بالغ- نابالغ ها البته در ادامه بحران حکومتی جمهوری اسلامی است که از چهار - پنج سال پیش شدت گرفته و موضوع اصلی آن پیدا کردن سیاستها، روشها و آرایش مناسب حکومتی برای "حفظ نظام" است. دعوی حاضر گرچه ریشه در کشاکشهای قبلی و بویژه نتایج بن بست دوم خرداد دارد، اما مشخصه برجسته اش اینست که تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر در بالای جمهوری اسلامی را منعکس میکند. تعرض به اسلام سیاسی (که محصول ناگزیر "جنگ آمریکا علیه تروریسم" بوده است)، سقوط طالبان و اوج گیری جنبش سرنگونی طلبی در ایران که خود را در تظاهراتهای بعد از فوتبال و بالا گرفتن جو امید به رهایی از شر جمهوری اسلامی نشان میدهد، مهمترین فاکتورهای این تحولات اند. یکبار دیگر و جدی تر از گذشته سیاستهای داخلی و خارجی جمهوری اسلامی زیر سوال رفته و تعادل شکننده قبلی بین مردم و حکومت و نیز در درون حکومت بهم خورده است. "ادامه وضع به شیوه سابق ممکن نیست". اینرا بسیاری از هردو جناح حکومت اذعان میکنند. اما کدام شیوه و روش بقاء جمهوری اسلامی را تضمین میکند؟ "افراطیون" دوم خرداد و مجلس پیش از پیش نوعی تجدید ساختار حکومتی و

مجلس ششم اسلام که روزی ژورنالیست های "بی طرف" رسانه های دول غربی و بخش های فارسی آنها، به همراه تمام جریانات، نویسندگان و دکترهای دوم خرداد از غریب "دمکراسی دمکراسی" برای آن کف به دهان آورده بودند (و برخی عالمانه آنرا از جمله مصادیق توانایی حکومت اسلامی برای اصلاح سیاسی و پیاده کردن برنامه های بانک جهانی و امتزاج جمهوری اسلامی در گلوبالیزاسیون دانسته اند) یکبار دیگر توی سری محکمی از "عقلای نظام" دریافت کرد. طفلی.

اما توسری اخیر نه چندان به جایگاه مجلس مربوط است و نه ربط زیادی به "جنبش اصلاحات" دارد. به این علت ساده که مدتهاست کار از این حرفها گذشته است. همه کس در ایران میدانند مجلس ششم و "دمکراسی اسلامی" اش، اکنون موضوع جوک های مردم است. از "جنبش اصلاحات" پوست هم نمانده است. قهرمان اول این داستان، خاتمی، مدتهاست که از شخصیت های خبیث و منفی آن، خامنه ای و رفسنجانی، قابل بازشناسی نیست. هواداران ادعایی جنبش اصلاحات نیز امروز دیگر بقول خودشان یا "مایوس" شده اند و یا جزو "اوباشان" اند که در هر حال بدجوری به رادیوهای اپوزیسیون سرنگونی طلب گوش میکنند و از سر "شور جوانی" علیه هردو جناح شعار میدهند و اینجا و آنجا با نیروی انتظامی درگیر میشوند. لذا دعوی اخیر ادامه ساده بازیهای سابق دوم خرداد و جناح راست نیست. یک وجه دعوی حاضر تلاش "رادییکال های" دوم خرداد و کسانی که در ایجاد "خط مرکز" به بازی گرفته نشدند، برای سهم گیری بیشتر در قدرت است. کسانی نظیر بهزاد نبوی، آرمین، عباس عبدی، محمدرضا خاتمی و غیره، که رفسنجانی آنها را "غیر بالغ" های سیاست نامید. این دعوی "بالغ" ها و "نابالغ" های جمهوری



گرامی باد دهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

— فیلم سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب "موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری ایران"
— سخنرانی اعضای دفتر سیاسی حزب محسن ابراهیمی، مینا احدی، حمید تقوایی، علی جوادی، رحمان حسین زاده، فاتح شیخ، اصغر کریمی، حسین مرادیگی، آذر مدرسی

۲۵ نوامبر: اسلو

۳۰ نوامبر: استکهلم

۱ دسامبر: کپنهاگ، کلن، ونکور،

هلسینکی، یوتبورگ

۸ دسامبر: تورنتو، لاهه (دنهاخ)، لس آنجلس،

۱۵ دسامبر: لندن

حزب کمونیست کارگری ایران

دومین سمینار مرکزی کادرهای حزب

۱۶ - ۱۵ دسامبر ۲۰۰۱

مباحث: اوضاع سیاسی و موقعیت جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی پس از سقوط طالبان، اوضاع افغانستان، جنبش ضدجنگ در غرب

گفت و شنود با رهبری حزب

همه کادرهای حزب را به شرکت در این سمینار فرامیخوانیم. علاقمندان به شرکت در این سمینار برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام با دفتر مرکزی حزب تماس بگیرند.

شماره تلفن: ۶۵ ۷۴ ۵۱ ۰۵۱ ۷۹۵ ۴۴+

ای میل: markazi@ukonline.co.uk

هیات دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنویید
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org www.jawanan.org
www.wpibriefing.com www.iwsolidarity.com
www.rowzane.com www.medusa2000.com
www.hambastegi.org www.marxsociety.com
www.childrenfirstinternational.org www.kwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England